

بسمي الذي به هاج عرف الوداد وماج

بجر الاتحاد حمد...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



من آثار حضرة بهاء الله - لثالثی الحکمة، المجلد 3، لوح رقم)

(195

بسمي الذي به هاج عرف الوداد وماج بجر الاتحاد

حمد حضرت قیومیرا لایق و سزاست که بایادی عطاء رحیق محتوم را بمفتاح اسم اعظم گشود و بخشود، طوبی لمن أقبل وأخذ وشرب باسمي الذي جعلناه سلطان الأسماء في ملكوت الإنشاء ومطلع العظمة والكبرياء لمن في ممالك العز والعطاء وويل لمن أعرض وأنكر فضل الله المقتدر العزيز العظيم، يا أيها الشارب رحیق بیانی من آیادی عطائی اسمع ندائی إنه ارتفع فهذا اليوم الذي أحاطتني الأخران من كل الجهات بما ورد على أصفیائی في أرض الیاء من الذين نقضوا عهد الله وميثاقه وأنكروا حجته وكفروا بنعمته وجاحدوا برهانه الظاهر الباهر المشرق المنیر، در صبر و اصطبار آن نفوس مقدسه مطمئنہ باید تفکر نمود، فی الحقیقه هریک آیت کبری بوده، غضب مظاهر نار و سطوت اشرار ایشانرا از توجه و اصطبار منع نمود، در سبیل الهی حمل نمودند آنچه را که شبه و مثل نداشته، مع بلایای وارده و رزایای نازله بر دفاع قیام نمودند چه که آن ایادی قویهء غالبه بسلاسل منع الهی بسته بود، بکمال تسلیم و رضا قصد مقرر



ORIGINAL

فدا نمودند و ارواح مقدسهء منوره را فدای دوست یگانه طوبی لهم و نعیما لهم، نامهء آنجناب بحضور و قرائت فائز نسئل الله تبارک و تعالی أن یرفعک باسمه و یعزک بعزّه و یفتح علی وجهک باب العطاء و یقدر لک ما یقربک الیه بدوام اسمائه الحسنی إنه هو المقتدر العزیز الفضال، بشارت کبری آنکه آنجناب لا زال در ساحت مظلوم مذکورند و بعنایت مخصوصه فائز البتّه ثمرات آن ظاهر شده و میبود امرًا من لدی الله المشفق الکریم، قل لک الحمد یا اِلهی بما اءقبت الی عبدک و ذکرته فی سجنک فی ایام ظهرت فیها مطالع الشکر والنفاق و مصادر الکفر والشقاق، ائی رب ترا نی متمسکا بک و منقطعاً عن دونک، أسئلك أن توفقنی علی خدمة امرک والقیام علی نصرتک بجنود الحکمة والبیان إنک أنت المقتدر العزیز المنان.